

چند سالی است که دوباره، نام و آوازه استاد بی همتای سنتور در موسیقی سنتی ایرانی، مطرح شده است. توجه و تمرکز بر یاد و آثار هنرمندی که از او کمترین مدارک نوشتاری و شنیداری در دسترس است، حاکی از بذل توجهی است که اکنون نه به یک شخص، بلکه به کلیت یک فرهنگ، می شود. این حرف به آن معنا نیست که تا پیش از آن، اصلاً نام و یاد از حبیب سماعی نبوده است. بزرگداشت بزرگان، یکی از رسوم دیرینه ایرانی است که در جامعه موسیقی نیز، کم و بیش جاری بوده و هست. بسیاری از تجلیل ها - حداقل در سالهای پیش از انقلاب - از طرف هنرمندان و

داشته است.

در این بین، به نقش استاد برومند، باید بیش از پیش توجه شود. چرا که بدون او، انتقال میراث هنری حبیب که تنها از راه آموزش شفاهی امکان پذیر است، تقریباً غیر ممکن بود.

توجه جدی و حقیقی به این هنرمند منحصر به فرد و بزرگ، از اوایل دهه ۱۳۶۰ آغاز می شود. در این زمان، تمام دوستان و دوستانان معاصر حبیب غیر از یکی دو نفر، فوت کرده بودند و نزدیک به یک ربع قرن بود که درباره او چیزی نوشته نمی شد، (آخرین مطلب خواندنی در این مورد، به قلم مرحوم روح الله

به مناسبت چهل و هشتمین سالگرد فوت استاد حبیب سماعی

به روی این لحد، آشفته مو، فرشته عشق
به سوگواری شور و عزای ماهور است
من و دل از پی خالک حبیب می گشتیم
فرشته گفت که اینجا مزار سنتور است

شهریار



نقطه زرین شهود

■ سید علیرضا میرعلی نقی

ژوئیه ۱۳۹۳

هر دوستانی بوده است که خود از لحاظ رشته تخصصی و زمینه علائق شخصی، اصلاً در اقلیم سماعی نبوده اند و تنها به لحاظ همان رسم ملی که پسندیده و نیکو نیز هست، یادی از استاد را به جا آورده اند. تشکیل ارکستری در رادیو تهران با نام «ارکستر سماعی» به کوشش آقای فریدون ناصری (آهنگساز و رهبر ارکستر سمفونیک تهران) و اجرای جدید از قطعات حبیب سماعی با برداشتی نو و متحدانه توسط فرامرز بابور (نوازنده چیره دست سنتور و آهنگساز)، نمونه هایی هستند که می توان از آنها یاد کرد.

وجود استاد مسلم موسیقی سنتی ایران، نورعلی برومند که زنده ترین شاگرد حبیب در بین معاصرین بود نیز، از عوامل مهمی است که در انتقال میراث موسیقایی خاندان سماع حضور به نسلهای بعدی، سهم انکارناپذیر دارد. حضور مغنم افراد دیگری چون: استاد مهدی ناظمی (از شاگردان حبیب و بزرگترین سازنده سنتور در زمان ما)، مهندس قبادفخر بختیاری (از شاگردان قوی پنجه او که سنتور را با قدرت چشمگیری می نواخت و از او کمتر اثری مانده است)، مرتضی عبدالرسولی (روحانی زاده ای خوشنویس و ادیب که بعد از مرگ استاد، ساز را به کناری گذاشت) و چند تن دیگر، هر کدام به سهم خود، نقش مؤثری در این کار

تعالیمی در سال ۱۳۳۶ نوشته شده بود که ارادت و علاقه آشکاری به حبیب سماعی داشت. در سال ۱۳۶۴، نوار «گذری در شیوه سنتورنوازی حبیب سماعی» منتشر شد که اولین قدم جدی در آشنایی حقیقی و شناخت درست دنیای حبیب سماعی به شمار می آید. این نوار، توسط آقای مجید کیانی اجرا شد که تنها شاگرد علاقه مند و پیگیر محضر استاد برومند در مطالعه تکنیک های اجرایی و فرهنگ موسیقایی حبیب سماعی بود که حاصل سالها مطالعه علاقه مندانه خود درباره این استاد را، به صورت اجرای درست و دقیق آثار او، ارائه می کرد. این نوازنده تحصیل کرده، اصلاً آموزش یافته در مکتب موسیقی تجددگرای دهه های اخیر بود که طی مسیر مطالعات دائم و در سلوک عملی خود، به کلی تغییر مسیر داد و به سوی فرهنگ قدیم موسیقی ایرانی بازگشت. توجه او نه از روی بازگشت برخاسته از نیاز به تنوع و نه برای شیفتگی نوستالوژیک بلکه در توجه به نوعی طریقه اندیشیدن و نوعی راه اجرا و بیان هنری بود که تا آن زمان، بدان توجهی نمی شد. در بروشور این نوار، همه گفتنی های لازم آمده است: هدف، گذشته گرایی و سنت پرستی، تقلید و یا بازسازی آثار حبیب سماعی نیست. بلکه می خواهیم شیوه ای از فرهنگ موسیقی خود را بازیابیم. فرهنگی که

سراسر نیایش پاکی و راستی است. حبیب را به عنوان انگاره این فرهنگ پریار ارج می‌نهم و شیوه‌اش را نیک می‌پنداریم.

اما این که حبیب را به عنوان اسوه این فرهنگ می‌شناسیم، به این معنا نیست که به طرد و نفی دیگران پرداخته شود. هیچ دوستدار جدی و عمیق در گستره سنت راستین موسیقی، چنین برداشت سخنی از مسئله ندارد. و اصولاً فهم ظرایف و نکات مستتر در این گستره، محتاج درونبینی و نوعی «دل‌آگاهی» است که از این گونه برداشتهای عوامانه و سوء فهم‌های پیش‌پا افتاده، فرسنگها فاصله دارد. از این رو، سخنان افرادی که از این نوع گرایش هنری، کیش شخصیت و سنت پرستی را مراد می‌کنند، مردودتر از پیش شناخته می‌شود و تکلیف جویندگان حقایق ژرف را، زودتر معلوم می‌کند.

شرط ورود در این اقلیم و معرفت یافتن به حقایق آن، ملازم با شرایطی چند است که در فرهنگ شفاهی موسیقی ایران و در اندک نوشتارهای بازمانده از قدما و بعضی معاصرین، قابل یافت است که می‌توان خواند و در حد خود فهم کرد. اما اصل آن، موقوف به استمداد درونی و علاقه عمیق و پی‌گیری مستمر است که با کار عملی، زیر نظر استاد حقیقی این فن، میسر می‌شود. اکنون روندگان این راه، بیشتر از دوران قبل هستند اما ظهور نتایج معنوی آن، به این زودی نخواهد بود و اصولاً هنر موسیقی، آن هم از نوع شرقی و سنتی آن، چنین فرآیندی ندارد. بروز و ظهور نتایج در این فرهنگها، همیشه دیررس ولی ریشه دار است. اما این که چرا حبیب سماعی به عنوان الگوی این فرهنگ برگزیده شده است، جای تأمل و اندیشه است. قبل از هر چیز، باید ماهیت و جایگاه «سنتور» را در فرهنگ موسیقی قدیم ایران بشناسیم و بعد، به هویت و نقش سنتور نوازان در موسیقی ایرانی (به خصوص خانواده هنری سنتور نوازان اواخر دوره قاجار) بپردازیم.

سنتور، سازی بسیار قدیمی است که تنها به نوع خود منحصر است. یعنی هیچ هم خانواده‌ای در موسیقی‌های مقامی، خانقاهی، بومی، ... ندارد. سازی کاملاً ویژه است که در انحصار فرهنگهای مربوط به تمدنهای شهری قرار می‌گیرد: اصفهان، شیراز، تهران، مشهد و تبریز که در آنها تمام ارکان زبان و فرهنگ و هنر، به صورت رسمی و تثبیت شده آشکار می‌شوند. سرسپردگی به زبان فارسی به عنوان سند مشترک هویت ملی، تقید به شکل هنری با قالب معین که به صورت ساختار و پیکره‌های واجد معنا (با مختصات شرقی خود) متجلی می‌شود، تعالی در مهارتهای فنی و بالاخره هم‌پوشی با بینانهای حکمی و مذهبی، از مختصات هستند که باید در بررسی ماهیت موسیقی به آنها نهایت توجه بدل شود و متأسفانه در آثار قلمی و شفاهی موسیقیدانهای زمان ما، این مباحث هرچه بیشتر جسته می‌شود، کمتر یافت می‌شود.

سنتور، ساز برگزیده چنین اقلیمی است و پژوهشهای مبتنی بر نشانه شناسی، نمادشناسی و رمزپردازی، تک‌تک عناصر ظاهری و باطنی در عوامل سازنده سنتور، این ساز را هم جهت و همخوان با مختصات آن فرهنگ معرفی می‌کند و در سایر سازهای متعلق به فرهنگ رسمی-شهری (که عبارتند از تار، سه‌تار، نی، کمانچه و ضرب)، چنین وضوح و استحکامی نیست. مشکلاتی که سنتور در شئون مختلف عملی-اجرائی-ابداعی برای موسیقیدانان ایجاد می‌کند نیز از همین وجه است. مشکلاتی که سازهای دیگر خیلی کمتر با آن مواجه هستند و در عوض، از رواج بیشتری برخوردارند. موقعیت اجتماعی و جایگاه هنری و مشکلات جنبی سنتور نوازان نیز، نسبت به سایر نوازندگان خیلی «خاص» تر بوده است. این ساز منحصر و مهجور را نه استقبال عامه، بلکه تلاش و مجاهدت یکی دو تن از خاصان در هر مرحله از تاریخ تطور موسیقی، حفظ و حراست کرده است. آخرین قافله نشین شناخته شده این کاروان، استاد محمد صادق خان سرور الملک ملقب به «رئیس»، زنده نگهدارنده چراغ سنتور در اواسط دوره ناصری بوده است که میراث هنری او، به شاگرد برحقش میرزا حبیب‌الله خان

سماع حضور، می‌رسد. شاگردی که در نواختن ضرب (تمبک) نیز اسنادی و مهارت داشته است. از سرور الملک اثری صوتی باقی نیست اما از شاگردش، چند لوله فونوگراف باقی است که اگر احیاناً فاضل آن-آقای ساسانی سپتا- به دستداران موسیقی قدیم عنایتی روا بدارند و این آثار را با حفظ حقوق و نظارت خودشان منتشر کنند، می‌توان به جلالت و فخامت اجرای پرصلابت قدما پی برد. سماع حضور، از بین فرزندان متعدّدش، تنها حبیب را که همانا خودش بود شایسته دید تا این میراث را نگهدارنده و انتقال دهنده باشد. حبیب کوچک، ده سال را نزد پدر ستور و تمبک آموخت و جز او اسنادی نداشت. شخصیت قوی او که حاصل ترکیب خصوصیات موروثی و تربیت جدی دوره کودکی اش بود، او را سازش ناپذیرترین هنرمند در بین هم نسلان خود (صبا، نی داود، شهنازی و ...) معرفی می‌کند که با پستهای زمانه همراه نشد و در خلاقیت اصیل و فزاینده خود نیز افول و ضعفی نداشت. به عبارتی، حبیب سماعی را تنها هنرمند موسیقیدان ایرانی از نسل جوان اوایل قرن حاضر می‌توان شناخت که از بدعت‌های انحرافی، ذوق ورزی‌های مبتذل شبه هنری، عدم خلاقیت و گرفتاری در قیود مشکل اجرای اصیل موسیقی ردیفی، کاملاً بی‌ری بوده و از این رو، برای دستداران آن گستره هنری-فرهنگی و برای محققین رازدان آن، الگو شناخته می‌شود. بدون این که زمینه مساعدی برای رشد عوارض جانبی ناشی از بدفهمی‌ها و برداشتهای اشتباه از هنر سنت را ارائه کند.

امروز در مرحله‌ای از تاریخ هستیم که دیگر نمی‌توان مثل هفتاد سال قبل با چند کلمه خطابه مطمئن و باب روز، تکلیف سیر تطور موسیقی بی‌برخاسته از فرهنگی که «معلوم» کرد و به کناری پرتابش کرد، همچنین کششهای تند احساساتی و بی‌پایه و مایه نسبت به هنرهای قدیمی نیز پسندیده نمی‌افتد. شاید این راه جدیدی که پیش پای ماست و هر قدمش با ذکر دائم و فکر مداوم پیوند خورده، چندان مورد پسند «اهالی امروز» نباشد. اما وصول حقیقت بهای سنگینی دارد که هیچ کس نمی‌تواند نپرداخته به مقصد و مقصود برسد.

پژوهش و تحقیق در طی طریق نظری-عملی موسیقیدانان نسل آینده، بالاترین درجه اهمیت را دارد. در مرحله‌ای هستیم که از بسیاری وسایل و امکانات کسب دانش و فیض و وجد در هنر قدما بی‌بهره هستیم و تنها وسعت پژوهش و غنای تحقیق می‌تواند کمکمان کند. البته باید بین پژوهش و تحقیق را فوق گذاشت. این دو یکی نیستند و هر کدام نفس خاصی را می‌پذیرند. پژوهش، پژوهشی است که تمام اطلاعات و دانستههای مورد دسترس است و تنظیم عینی-منطقی آنها، اما تحقیق، نوعی «سره‌گزینی» است که طبق نص صریح کلمه، از تعیین حق و ناحق برمی‌آید. کار محقق راستین، نقد صحیح و عبارسنجی حقیقت است. متأسفانه موسیقی امروز ما در این حیطة نیز خلونی پاک و مطمئن ندارد. اکثر مراجع و امکانات لازم برای انجام تحقیق، مکتوم است و آنهایی که به دست می‌آید، چنان ملغمه‌ای است که استخراج رگه‌های زوین حقیقت را از آن، گاهی نزدیک به غیرممکن می‌سازد.

تحقیق، جانی شیفته می‌خواهد و غیرتی برآشفته و که ریزدانه درخشانی از حقیقت را از زیر خروارها خاک و لای و آوارهای فرو ریخته برهم، بیرون آورد و بر سر بر بنشانند. قلم آخته‌ای که چنین تحریری را تعهد کند، نیازمند فضایی پاک و پیراسته است که نیاز به نو شدن و برگشتن به اصل معصومیت خود را، نیازی جدی و حیاتی ببیند نه تفتنی گذرا و از سر احساسات. حبیب در سلوک عملی خود که همان تکنوازی سنتور بود، خلاقیتی محققانه داشت و همین شیفتگی و آشفتنگی و برش شخصیتش بود که اعجاب همگان-از خالق تا برونمند- را برانگیخت. هرچند که سرنوشت این گونه هنرمندان سیابوش صفت، جز جواهرمرگی و جاودانگی نیست. و حبیب نیز از تبار آنها بود. یاد پاک و جاودانه اش را در چهل و هشتمین سال مرگ جسمانی اش تکریم

می کنیم و نام بزرگش را که تذکار وجود آخرین مسافر کاروان راز دانایان هنر سنت بود را بر خاطر می نشانییم. صدای ساز او، پژواک لطیف و درخشان آوای همیشه مترنم «نایبش» در گنبد دوار تاریخ ماست و تنها صدا است که می ماند.

شعری از سید محمد حسین شهریار برای حبیب:

شهریار را با حبیب دوستی و عوالمی نزدیک بود. آشنایی آنها در نیشابور (موطن حبیب و پدرش) در جوار کمال الملک آغاز شد و تا آخر عمر کوتاه حبیب دوام یافت. کلام پر عاطفه و صمیمی شهریار، بارها بار هنرمند خود را یاد کرده است، که از میان آنها قطعه ای انتخاب می شود؛ در این قطعه اشاره دقیق و صریحی به تنهایی و بلاکشدگی آن هنرمند غریب در بین اهل زمانه رفته است که به صورت صریح تری، نحوه غیر علنی مرگ او را باز می نمایاند:

واحسنا به مرگ حبیبی که روزگار چون او گلی نداشت اگر صد بهار کرد آه از سموم دی که چنان سرو سرفراز از پافکنند و چشم مرا چشمه سار کرد چون لاله رفت، سرخوش و خونین کفن به خاک دل‌های عاشقان حزین داغدار کرد تا تیر دشمنان شرافت خورد به سنگ سنگر به پشت سنگ لحد استوار کرد گر سبیل خون ز دیده دشمن رود رواست کاین دوستدار علم و هنر انتحار کرد جان داد و نوعروس شرافت به برکشید مردانه جان به مقدم جانان تشار کرد آوخ که شمع بزم محبت حبیب، مرد پروانه را بلاکش شبهای تار کرد بی ما به اختیار سفر کرد و دور از او با ما چه ها که گریه بی اختیار کرد خواهم چوایر، لاله پرویام از سرشک در گلشنی که سرو من آنجا مزار کرد

آثار قابل دسترس از حبیب سماعی:

اجراهای اصل:

- پنج عدد صفحه گرامافون ۷۸ دور، متعلق به سالهای ۱۳۱۰-۱۳۰۶ هـ. ش. که به پیشنهاد و تشویق شادروان عبدالله دادور ملقب به قوام السلطان (نوازنده مشهور تار و شاگرد درویش خان) ضبط شد. هر کدام از صفحات مزبور بین ۵ تا ۷ دقیقه است.
۱. صفحه «شور و شهناز»: دو چهار مضراب بسیار زیبا، اجرای درآمد شور. درآمد شهناز و گوشه رضوی. به همراه غزلی از حافظ
 ۲. صفحه «ابوعطا و حجاز»: دو چهار مضراب زیبا در ابوعطا؛ درآمد ابوعطا. درآمد حجاز و فرود به شور. غزل از سعدی (تداومت به حقیقت که در جهان به چه مانی)
 ۳. صفحه «شهناز و گرلی» (شور): چهار مضراب و اجرای آواز در گوشه گرلی، همراه «ضریب شهناز». با کلام سعدی (شبی مجنون به لیلی گفت کای محبوب بی همتا).
 ۴. صفحه «ماهور و دلکش»: اجرای پیش درآمد ماهور اثر درویش خان، درآمد آواز ماهور و گوشه دلکش. غزل از سعدی (شب دراز به امید صبح بیدارم).

۵. صفحه «اصفهان و بیات راجع»: اجرای در آمد از گوشه جامه دران و فرود به اصفهان؛ تصنیف و «رباعی ضریب» شعر تصنیف از سعدی (آب حیات من است خاک سر کوی دوست).

بازسازی شده ها، نت نویسی شده ها، اجراهای تحقیقی:

الف: شنیداری

۱. بایور، فرامرز. «به یاد حبیب سماعی». انتشار اول: تهران، آهنگ روز، ۱۳۵۱. انتشار دوم: تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۵۸. ۱۳۷۲
۲. کیانی، مجید. «گذری در شیوه سنتورنوازی حبیب سماعی» [نوار یک ساعته]. تهران سازمان انتشاراتی و فرهنگی اینکار، ۱۳۶۴. کیانی، مجید «ضریب های حبیب سماعی» [به همراه تنبک/نوار یک ساعته] تهران، ایران صدا، ۱۳۷۰.
۳. اجراهای پراکنده ای به صورت تکنوازی یا همناوایی (با ارکستر مختلط سازهای ایرانی-غربی و یا با ارکستر سنتی) در نوارهای قبل و بعد از انقلاب، از آثار حبیب سماعی موجود است.
ب: نوشتاری
۱. اطرائی، ارفع. زندگی و آثار حبیب سماعی. تهران، پارت، ۱۳۷۱. نت نویسی آثار ضبط شده در صفحات گرامافون و نمونه آثاری که ابوالحسن صبا از حبیب سماعی گرفته و در کتابهای خود نقل کرده است.
۲. صبا، ابوالحسن. دوره اوک سنثور (کتاب اوک). تهران، اداره کل نگارش وزارت فرهنگ، چاپ اوک ۱۳۲۸، ۲۷ ص، مصور: در مقدمه، ذیل عنوان «چگونگی اجرای تکه ها» آمده: «قسمتی از قطعات ضریب اقتباس از مرحوم استاد حبیب الله سماعی است». ابوالحسن صبا. اما در چاپ های بعدی این عبارت دیده نمی شود! در این کتاب از پایه چهارمضراب حبیب در سه گاه، دستگاه شور به روایت میرزا حسینقلی با مضراب های حبیب و پات چهارمضراب حبیب در ضریب شهناز استفاده شده است.
۳. صبا، ابوالحسن. دوره دوم سنثور (کتاب دوم). تهران، چاپخانه تابان، چاپ اوک ۱۳۳۵، ۳۱ ص. در این کتاب، چهار مضراب ابوعطا و چهار مضراب حجاز منسوب به حبیب است.
۴. صبا، ابوالحسن. دوره سوم سنثور (کتاب سوم). تهران، ۱۳۳۷. در این کتاب، دستگاه چهار گاه به حبیب منسوب است. دستگاه همایون، روایت یکی از شاگردان اصلی اوست و در آواز بیات اصفهان، تأثیر و نفوذ نعمات ویژه حبیب مشهود است.
۵. صبا، ابوالحسن. دوره چهارم سنثور (کتاب چهارم). تهران، ۱۳۳۹. تشخیص و تفکیک نعمات آوازی و پایه چهارمضراب های سماعی از آثار صبا در این کتاب به آسانی امکان پذیر نیست. نقل است که در این کتاب، استاد برومند، قباد ظفر، مرتضی عبدالرسولی و همچنین شادروان حسین صبا، یار و همکار استاد ابوالحسن صبا در تهیه یادداشت هایی از نعمات متعلق به حبیب بوده اند.
۶. صبا، حسین. خودآموز سنثور (کتاب اول). تهران، چاپ اوک، ۱۳۳۵ (به کوشش محمد بهارلو)، ص، مصور: ۱۸-۱۶.
۷. ضریب های «شور» و «شهناز» در این کتاب منسوب به حبیب سماعی است. مفخم پایان (پزدان مهر)؛ لطف الله. بیست و پنج قطعه ضریب. تهران، مفخم پایان، ۱۳۲۷، ۲۴ ص: ۱۳-۱۴.
- رنگ دشتی منسوب حبیب سماعی است که البته طبق تخصص مرحوم مفخم

بایان، این قطعه دارای شخصیت ویولونیسینیک شده و روایت آن به این ویژگی است.

کتابشناسی و مقاله شناسی حبیب سماعی:

فهرست ذیل مطمئناً نمی تواند مطلقاً کامل باشد، اما تا این زمان، جامع ترین است؛ منابع قدیمی و فراموش شده در آن قابل یافت است:

۱. احتشامی، ابوالحسن. «استاد حبیب سماعی»

اطلاعات ماهیانه، س ۳، ش ۶ (شهریور ۱۳۲۹)

۲. د. «حبیب سماعی» اطلاعات هفتگی، س ۱، ش

[اولین رپرتاژ مطبوعاتی درباره حبیب سماعی].

۳. اطرائی، ارفع. زندگی و آثار حبیب سماعی.

تهران، پارت، ۱۳۷۱ [کتاب جامع، شامل نوشته های روح الله خالقی

درباره زندگی سماعی و پژوهش های مؤلف درباره آثار او]

۴. نفضلی، تقی. «بعد از سماعی، سنتور فقیر شد».

اطلاعات، س ۵۰/۲۰/۵/۱۳۵۵/ص ۲۵.

[چند خاطره و تجلیل از هنر متعالی اجرای حبیب]

۵. خالقی، روح الله. «حبیب سماعی». موزیک ایران:

س ۶، ش ۴، شهریور ۱۳۳۶

ش ۵، مهر ۱۳۳۶

ش ۶، آبان ۱۳۳۶

ش ۷، آذر ۱۳۳۶

ش ۸، دی ۱۳۳۶

ش ۹، بهمن ۱۳۳۶

[سلسله مقالاتی، حاوی اطلاعاتی فراگیر درباره زندگی، آثار و شخصیت

هنری-اجتماعی حبیب سماعی]

۶. خالقی، روح الله «پادی از موسیقیدانان گذشته». مجله موسیقی رادیو

ایران:

س ۲، ش ۲۶، اسفند ۱۳۳۸

ش ۲۷، فروردین ۱۳۳۹

[تکرار مقالات مجله موزیک ایران]

۷. دشتی، علی. «سنتور حبیب»

سایه (مجموعه مقالات علی دشتی). تهران، این سینما چاپ دوم ۱۳۳۵

[تجلیلی ادبیانه از تأثیر و الای نوازندگی حبیب]

۸. «شعله ای که خاموش شد: سماعی رقت و سنتور را هم با خود برد».

مرد امروز، س ۴، ش ۶۵، ۲۹ تیر ۱۳۲۵

[یک گزارش کوچک و نکان دهنده از مرگ درناک حبیب سماعی]

۹. «صبا گفت: حبیب سماعی اعجوبه ای است...».

اطلاعات، س ۵۰، ۲۲/۴/۱۳۵۵، ص ۲۹.

[خاطراتی از شاگرد او: نورعلی پرومند درباره عجایب نوازندگی و

پیچیدگیهای شخصیت او]

۱۰. کیانی، مجید. «بزرگداشت چهل و پنجمین سال درگذشت حبیب

سماعی».

فصلنامه آهنگ، س ۳، ش ۵، بهار ۱۳۷۱.

[سخنرانی در حافظیه شیراز، تجلیل از حبیب و شرح ظرایف فنی در

نوازندگی او]

این مراسم به پیشنهاد و ترغیب نگارنده، توسط نویسنده این گفتار در تهران،

شیراز و سمنان چندین بار بر صحنه رفت و نخستین مراسم بود که بعد از ۴۵

سال، به یاد حبیب و با موسیقی او و با ساز دست او اجرا شد.

۱۱. کیوان، مرتضی. «به یاد حبیب سماعی موسیقیدان بزرگ».

جهان نو، س ۱، ش ۳، مرداد ۱۳۲۵.

[بزرگداشت و یک نقد کوتاه هنری، با کیفیتی کم سابقه]

۱۲. میرعلی تقی، سیدعلیرضا. «بوی گل از گلاب».

ویژه نامه آهنگ، ش ۱. تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز سرود

و آهنگهای انقلابی، بهمن ۱۳۶۹

[تحلیلی از ظرایف شخصیت هنری حبیب سماعی، به بهانه انتشارنوار

«ضربیه های ...»]

۱۳. میرعلی تقی، سیدعلیرضا. «پادی از حبیب سماعی».

[ویژه نامه آهنگ (ش ۴). تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز

سرود و آهنگهای انقلابی، ۱۳۶۸، [زندگی، آثار و جایگاه هنری]

سالشمار زندگی و آثار حبیب سماعی:

۱۲۸۰: تولد در تهران.

۱۲۸۵: آغاز تحصیل موسیقی نزد پدر. نوازندگی سنتور و تمبک.

۱۲۹۷-۱۳۰۰: مرگ پدر (حبیب الله سماع حضور)، آغاز خدمت در

نظام، تحصیل دوره ای کوتاه در شعبه مدرسه موزیک نظام.

۱۳۰۰-۱۳۰۶: خدمت نظام و مأموریت در مشهد، بیرجند و توابع، آشنایی

و معاشرت با محمد ابراهیم علم (امیر شوکت الملک) و سردار امان الله جهانبانی،

کنسرت های خصوصی و آشنایی با سایر هنرمندان و موسیقیدانان.

۱۳۰۶-۱۳۱۰: بازگشت به تهران و آشنایی با ابوالحسن صبا، ضبط

صفحات گرامافون همراه پروانه، چند کنسرت خصوصی و عمومی، راه اندازی

تدریس خصوصی سنتور.

۱۳۱۱-۱۳۱۳: تعطیل درس سنتور. مرگ پروانه بازگشت به مشهد و بیرجند

و آشنایی با سید محمد حسین شهریار، شرکت در مراسم بزرگداشت فردوسی با

حضور رجال و دانشمندان، نقش آفرینی در نمایشنامه رستم و سهراب و نوازندگی

در حضور عموم: استقبال پر شور و فراگیر از طرف شنوندگان.

۱۳۱۴-۱۳۱۸: دنباله خدمات نظام و ازدواج با دختر سراج الملک

(فرزندان: نینا، منوچهر و توران).

۱۳۲۲-۱۳۱۹: ورود به رادیوی تازه تأسیس در تهران و کار با ابوالحسن

صبا، ادیب خوانساری، قمرالملوک وزیری، رضا روانبخش و سایر هنرمندان:

پخش برنامه های موسیقی به طور «زنده» از فرستنده تهران (گاه به همراه سید

علی ابراهیم علم) نیز برنامه هایی داشت که مستقیماً از رادیو اصفهان پخش

می شد. آشنایی با مهدی ناطق - تدریس سنتور به نورعلی پرومند، قباد ظفر

(ابلقان) و مرتضی عبدالرسولی.

۱۳۲۳: ورود به انجمن موسیقی ملی به پیشنهاد روح الله خالقی برای تدریس

کلاسهای انجمن. چند اجرای جمعی: تکنوازی سنتور؛ اردیبهشت، خرداد،

مهر و آبان ماه، در حضور ل. کینیر آهنگساز روس انتقال شغل از وزارت جنگ به

وزارت فرهنگ و هنر. بازگشت فوری و بلافاصله به وزارت جنگ. تعطیل

کلاسهای سنتور انجمن موسیقی ملی - ترک رادیو تهران برای همیشه - زیارت بقاع

متبرکه.

۱۳۲۴: تزوای کامل در اثر تألم شدید از مرگ پسرش نینا در طفولیت آغاز

بیماری طولانی در اثر ذات الریه، خانه نشینی، ضعف فزاینده.

۱۳۲۵/۴/۲۰: مرگ در شب پنجشنبه، تهران.

مراسم تشییع رسمی توسط هیأت ارکستر نظامی تا گورستان ظهرالدوله،

دریند شمیران. خاکسپاری در کنار گور فرزندش. روی سنگ قبر او نوشته شده

است:

«هو الحی الذی لایموت». استاد حبیب الله سماعی (۱۳۲۵-۱۲۸۴)